



قانون مجازات فرانسه

معاونت حقوقی و توسعه‌ی قضایی قوه‌ی قضائیه
مرکز مطالعات توسعه‌ی قضایی

ترجمه‌ی :

محمد رضا گودرزی بروجردی

لیلا مقدادی

عنوان و نام پدید آور: قانون مجازات فرانسه / (برای) معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه، مرکز مطالعات توسعه قضایی: ترجمه محمد رضا گودرزی، لیلا مقدادی

مشخصات نشر: قم: سلسبیل، ۱۳۸۶

مشخصات ظاهری: ۲۸۸ ص

شابک: ۳۰۰۰۰ ریال : ۹۶۴-۸۳۸۷-۴۹-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی Code penal

موضوع: حقوق جزا - فرانسه

موضوع: آیین دادرسی جزایی - فرانسه،

شناسه افزوده: گودرزی، محمد رضا، ۱۳۵۴ - مترجم

شناسه افزوده: مقدادی، لیلا، ۱۳۵۲ - مترجم

شناسه افزوده: ایران. قوه قضاییه، مرکز مطالعات توسعه قضایی

رده بندی کنگره: ۱۳۸۶ ق ۳ / ۷۷۹۷۴ ک

رده بندی دیویی: ۳۴۵ / ۴۴

شماره کتابخانه ملی: ۱۰۴۱۷۳۴



انتشارات سلسبیل

قانون مجازات فرانسه

مترجم: محمد رضا گودرزی بروجردی

همکار مترجم: لیلا مقدادی

ناشر: سلسبیل

چاپ: ظهور

نوبت چاپ: اول (بهار ۸۶)

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

بها: ۳۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴-۸۹۰۳-۴۹-۲

به نام خدا

۱- در برنامه‌ی نخست توسعه‌ی قضایی، مواردی مانند ضرورت توجه به کاهش تصدی‌گری حکومت در حوزه‌ی قضا، افزایش مشارکت مردم، توجه به حقوق و آزادیهای فردی و عدم محدودیت‌های غیر ضروری، متناسب‌سازی پاسخ به جرم با نوع جرم ارتكابی، و استفاده از نهادهای شبه قضایی و کاهش توسل به مراجع قضایی در راستای افزایش کیفیت، به منزله‌ی راهبردهای کلان مورد نظر رئیس‌قوه‌ی قضائیه مورد توجه قرار گرفت.

۲- در راستای تحقق و اجرای راهبردهای یاد شده در برنامه‌های نخست و دوم توسعه‌ی قضایی، مرکز مطالعات توسعه قضایی به منزله‌ی رکن مطالعاتی-تحقیقاتی معاونت حقوقی و توسعه‌ی قضایی قوه قضائیه از هنگام تشکیل بر آن بوده تا با مبتنی کردن اقدامهای مختلف قوه‌ی قضائیه - به ویژه در حوزه‌ی تدوین قوانین و مقررات و تنظیم لایحه‌های قضایی - بر انجام پژوهشهای نظری- کاربردی و بهره‌گیری از تجربه‌های کشورهای مختلف در حوزه‌ی قضا، امر تحقیق و پژوهش را در حوزه‌ی قضایی نهادینه کند. برای تحقق این هدف، کمیسیونها و کمیته‌های تحقیقاتی- پژوهشی مختلفی در این مرکز تشکیل شد. این کمیسیونها و کمیته‌های زیر مجموعه‌ی آنها نیز با تشکیل گروههای تحقیقاتی مختلف متشکل از پژوهشگران و محققان به طور عمده دانشجویان دوره‌های دکتری و کارشناسی ارشد- و با تأکید خاص بر حفظ ارتباط تنگاتنگ با استادان دانشگاه و دست‌اندرکاران حوزه‌ی قضا و بهره‌گیری از علم و تجربه‌ی ارزشمند آنان، پژوهش در حوزه‌های مطالعاتی مختلف را آغاز کردند.

۳- در این سیر پژوهشی، در این مرکز دو نکته مورد توجه بوده است: نخست، انجام مطالعات تطبیقی و بهره‌گیری از تجربه‌های نظامهای حقوقی مختلف در جهان- به ویژه کشورهای اسلامی و دیگر کشورهایی که وضعیت مشابهی را در حوزه‌ی قضا تجربه می‌کنند- و انتشار کتابها و مقاله‌های بنیادی در این زمینه برای فرهنگ سازی حقوقی و غنی کردن نوشتگان حوزه‌ی حقوق به طور کلی؛ و دوم، تأکید خاص بر ویژگی‌های دینی - فرهنگی - اجتماعی جامعه‌ی ایران و متناسب کردن قوانین و مقررات و دستاوردهای علمی در حوزه‌ی حقوق با شرایط جامعه‌ی ایران و به بیان دیگر، بومی کردن نظریه پردازی و سیاست گذاری در حوزه‌ی قضا و پرهیز از به کارگیری نسنجیده و مقلدانه‌ی دستاوردهای دیگر نظامهای حقوقی.

۴- کمیته‌ی امور زندان‌ها در سال ۱۳۸۳ در دبیرخانه‌ی شورای عالی توسعه‌ی قضایی تشکیل شد. این کمیته با همکاری سازمان زندان‌ها کار خود را در این حوزه آغاز کرد. مهم‌ترین اقدام‌های این کمیته تاکنون عبارت‌اند از: (۱) تدوین لایحه‌ی تأسیس سازمان اجرای کیفرها و اقدامات تأمینی و تربیتی که پس از تصویب رئیس محترم قوه قضائیه و هیئت محترم دولت، در سال ۱۳۸۴ تقدیم مجلس شورای اسلامی شد. (۲) تهیه و تدوین مجموعه‌ی زندان از نگاه اندیشمندان در ۴ جلد، (۳) اصلاح و بازنگری نهایی آیین‌نامه‌ی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی، (۴) تهیه و تدوین بخش اجرای احکام لایحه‌ی آیین دادرسی کیفری، (۵) ترجمه‌ی کتابها و مقاله‌های گونه‌گون در حوزه‌ی زندان‌ها و اجرای مجازات‌ها، (۶) ترجمه آیین‌نامه‌های اجرایی زندانهای فرانسه (۷) همکاری در تدوین بخش کلیات قانون مجازات اسلامی و سرانجام (۸) ترجمه‌ی قانون مجازات فرانسه همراه با تفسیری مقدماتی که در بردارنده پنج کتاب قانون مجازات این کشور مصوب ۱۹۹۲ و بعد آن، با تمامی الحاقات بعدی تا سال ۲۰۰۶ میلادی است، که با تلاش و دقت فراوان توسط محقق ارزشمند جناب آقای محمدرضا گودرزی مسئول کمیته و سرکار خانم مقدادی از قضات ارجمند ترجمه و اکنون به جامعه‌ی حقوقی تقدیم می‌شود.

۵- بی تردید، فعالیتها و اقدام‌های مرکز مطالعات توسعه‌ی قضایی به منزله‌ی نهاده‌ی نوپا در امر پژوهش در حوزه‌ی قضا، با توجه به موانع و محدودیتهای پیش رو خالی از اشتباه نیست و نخواهد بود. از همین رو، این مرکز نقد و بررسی فعالیتها و اقدام‌های خود را از جانب محققان و پژوهشگران و به ویژه استادان دانشگاه و دست‌اندرکاران حوزه‌ی قضا و نیز ارائه‌ی پیشنهاد و مشارکت آنان را در این روند بزرگ‌ترین خدمت‌گزاری به خود می‌داند و از آن استقبال می‌کند. در پایان لازم است از زحمات داوران محترم این مجموعه آقایان دکتر اردبیلی و دکتر گلدوزیان، استادان محترم دانشگاه‌های شهید بهشتی و تهران که با بررسی‌ها و ارزیابی‌های خود، به این اثر غنای بیشتری بخشیدند، سپاسگذاری نمایم.

علیرضا جمشیدی

معاون حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه

و رئیس مرکز مطالعات توسعه قضایی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

	سراغاز سخن: از دویست سال قانونگذاری کیفری در فرانسه تا یکصد سال قانونگذاری
۱	کیفری در ایران
۱	الف: ریشه‌های تاریخی حقوق کیفری فرانسه
۲	۱- از حقوق کیفری رژیم قدیمی تا انقلاب بزرگ فرانسه
۲	۱-۱- دادگستری در رژیم قدیمی
۲	۲-۱- حقوق و عدالت کیفری در رژیم قدیمی
۳	ب: از حقوق انقلابی فرانسه تا دگرگونی های کیفری جهانی
۳	۱- اصول راهبردی حقوق کیفری
۴	۲- قانون نامه ی کیفری ۱۸۱۰ در ابتدای قرن نوزدهم
۴	۳- از قانون نامه ی ۱۸۱۰ تا قانون نامه ی ۱۹۹۲
۶	ج: یکصد سال قانونگذاری کیفری در ایران
۶	۱- از قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ تا انقلاب اسلامی
۷	۲- تحولات کیفری پس از انقلاب اسلامی
۹	قانون مجازات فرانسه
۱۱	کتاب نخست: مواد عمومی
۱۳	عنوان نخست: در قوانین کیفری
۱۵	فصل نخست: اصول کلی
۱۶	فصل دوم: قلمروی اجرای قانون جزا در زمان
۱۸	فصل سوم: در اجرای قانون جزا در مکان
۱۸	گفتار نخست: جرایم ارتكابی یا در حکم ارتكابی در سرزمین جمهوری
۱۹	گفتار دوم: جرایم ارتكابی در خارج از سرزمین جمهوری
۲۳	عنوان دوم: در مسئولیت کیفری
۲۵	فصل نخست: مواد عمومی
۲۸	فصل دوم: اسباب عدم مسئولیت یا کاهش مسئولیت
۳۱	عنوان سوم: کیفرها
۳۳	فصل نخست: در ماهیت کیفرها

۳۳	گفتار نخست: کیفرهای قابل اجرا نسبت به اشخاص حقیقی
۳۳	الف: کیفرهای جنایی
۳۳	ب: کیفرهای تأدیبی (جنبه‌ای)
۳۸	ج: کیفرهای تکمیلی قانونی نسبت به برخی جنایات یا جنبه‌ها
۳۹	د: کیفرهای خلافی
۴۱	گفتار دوم: در محتوا و شیوه اجرای برخی کیفرها
۵۰	گفتار سوم: در پیگیری و نظارت اجتماعی - قضایی
۵۳	مبحث دوم: کیفرهای قابل اجرا نسبت به اشخاص حقوقی
۵۳	گفتار نخست: کیفرهای جنایی و تأدیبی
۵۴	گفتار دوم: کیفرهای خلافی
۵۵	گفتار سوم: در محتوا و شیوه‌های اجرای برخی کیفرها
۵۷	فصل دوم: در رژیم کیفری
۵۷	مبحث نخست: مواد عمومی
۵۷	گفتار نخست: کیفرهای قابل اجرا در صورت تعدد جرم
۵۸	گفتار دوم: کیفرهای قابل اجرا در موارد تکرار جرم
۵۸	پاراگراف ۱: اشخاص حقیقی
۶۰	پاراگراف ۲: اشخاص حقوقی
۶۱	پاراگراف ۳: مواد کلی
۶۲	گفتار سوم: در صدور حکم کیفرها
۶۳	گفتار چهارم: در مدت زمان تأمین
۶۴	مبحث دوم: شیوه‌های شخصی سازی کیفرها
۶۴	گفتار نخست: در نیمه آزادی
۶۴	پاراگراف یک: نیمه آزادی و جایگزینی در خارج از موسسه کیفری
۶۶	پاراگراف ۲: در جایگزینی زیر نظارت الکترونیکی
۶۷	گفتار دوم: در تقسیم کیفرها
۶۸	گفتار سوم: در تعلیق ساده
۶۸	پاراگراف ۱- شرایط اعطای تعلیق ساده
۶۹	پاراگراف ۲: آثار تعلیق ساده
۷۰	گفتار چهارم: در تعلیق همراه با آزمایش و مراقبت
۷۰	پاراگراف یک: شرایط اعطای تعلیق همراه با آزمایش و مراقبت
۷۱	پاراگراف دو: در رژیم آزمایش و مراقبت
۷۴	پاراگراف ۳: در فسخ تعلیق همراه با آزمون و مراقبت، در صورت وقوع بزه جدید
۷۵	پاراگراف چهارم: آثار تعلیق همراه با آزمون و مراقبت
۷۶	گفتار پنجم: در تعلیق سازگار با تمهید به انجام یک کار عام المنفعه
۷۸	گفتار ششم: در معافیت از کیفر و در تعویق مجازات

۷۸	پاراگراف یک: در معافیت از کیفر
۷۸	پاراگراف ۲: در تمویق ساده
۷۹	پاراگراف ۳: در تمویق همراه با آزمون و مراقبت
۸۰	پاراگراف چهار: در تمویق همراه با دستور
۸۱	مبحث سوم: در تعریف برخی اوضاع و احوال همراه با تشدید، تخفیف یا معافیت از کیفرها
۸۵	فصل سوم: در پایان یافتن کیفرها و زوال آثار محکومیت‌ها
۸۷	گفتار نخست: در مرور زمان
۸۸	گفتار دوم: در عفو خصوصی
۸۸	گفتار سوم: در عفو عمومی
۸۹	مبحث چهارم: در اعاده‌ی حیثیت
۹۱	کتاب دوم: جنایات و جنجه‌ها علیه اشخاص
۹۳	عنوان نخست: جنایات علیه بشریت و علیه تمامیت جسمانی
۹۵	بخش نخست: جنایات علیه بشریت
۹۵	فصل نخست: در نسل زدایی
۹۶	فصل دوم: دیگر جنایات علیه بشریت
۹۷	فصل سوم: مواد عمومی
۹۹	بخش دوم: جنایات علیه تمامیت جسمانی
۱۰۱	فصل نخست: جنایات اصلاح نژادی و شبه سازی سلولی
۱۰۲	فصل دوم: مواد عمومی
۱۰۵	عنوان دوم: تعرضات به شخص انسانی
۱۰۷	فصل نخست: تعرضات به حیات شخصی
۱۰۷	مبحث نخست: تعرضات ارادی به حیات
۱۱۱	مبحث دوم: تعرضات غیر عمدی به حیات
۱۱۳	مبحث سوم: کیفرهای تکمیلی قابل اعمال به اشخاص حقیقی
۱۱۶	فصل دوم: تعرضات علیه تمامیت جسمانی یا روانی شخص
۱۱۶	مبحث نخست: تعرضات عمدی علیه تمامیت شخص
۱۱۶	پاراگراف یک: شکنجه‌ها و رفتارهای وحشیانه
۱۱۹	پاراگراف ۲: خشونت‌ها
۱۲۷	پاراگراف ۳- تهدیدها
۱۲۹	مبحث دوم: تعرض های غیر عمدی به تمامیت شخص
۱۳۱	مبحث سوم: تهاجم های جنسی
۱۳۲	پاراگراف ۱: در هتک ناموس به عنف
۱۳۳	پاراگراف ۲- دیگر تهاجم‌های جنسی
۱۳۵	پاراگراف ۳- در بند کردن و به ستوه آوردن جنسی

۱۳۵	مبحث سوم مکرر: در بند کردن و به ستوه آوردن روانی
۱۳۶	مبحث چهارم: در حمل و نقل مواد مخدر
۱۳۹	مبحث پنجم: کیفرهای تکمیلی قابل اجرا نسبت به اشخاص حقیقی
۱۴۱	مبحث ششم: مواد مشترک نسبت به اشخاص حقیقی و حقوقی
۱۴۳	فصل سوم: در تحت خطر گذاردن شخص
۱۴۵	گفتار نخست: خطرهای ایجاد شده نسبت به غیر
۱۴۵	مبحث دوم: در ترک شخصی خارج از وضعیتی که از خود حفاظت کند
۱۴۶	مبحث سوم - در ایجاد مانع نسبت به اقدامات معاضدتی و ترک کمک رسانی
۱۴۷	مبحث چهارم: در آزمایش تجربی بر روی شخص انسانی
۱۴۸	مبحث پنجم: در قطع غیرقانونی حاملگی
۱۴۸	مبحث ششم: در تحریک به خودکشی
	مبحث ۶ مکرر: در سوء استفاده‌ی متقلبانه از حالت حجر یا ضعف نفس دیگری
۱۴۹	(الحاقی به موجب ۱۲ ژوئن ۲۰۰۱)
۱۵۱	مبحث هفتم: کیفرهای تکمیلی قابل اجرا نسبت به اشخاص
۱۵۳	فصل چهارم: تعرض‌ها به آزادی‌های افراد
۱۵۵	مبحث نخست: در آدم ربایی و توقیف غیرقانونی
۱۵۷	مبحث دوم: در ربودن هواپیما، کشتی یا هر وسیله‌ی حمل و نقل دیگری
۱۵۸	مبحث سوم: کیفرهای تکمیلی قابل اعمال به اشخاص حقیقی
۱۵۹	فصل پنجم: تعرض به کرامت افراد
۱۶۱	مبحث نخست: تبیض‌ها
۱۶۳	مبحث یک مکرر: در تجارت انسان‌ها
۱۶۶	مبحث دوم: در قوادی و جرایم ناشی از آن
	مبحث دوم مکرر: در توسل به روسپیگری کودکان و نوجوانان یا اشخاص به طور ویژه آسیب‌پذیر
۱۶۹	(الحاقی به موجب قانون ۴ مارس ۲۰۰۲)
۱۷۱	مبحث دوم: در بهره‌کشی از نکدی گری (الحاقی به موجب قانون ۱۸ مارس ۲۰۰۳)
۱۷۲	مبحث سوم: شرایط کار و اسکان مخالف با کرامت انسانی افراد
۱۷۴	مبحث چهارم: تعرض به احترام مرده‌ها
۱۷۵	مبحث پنجم: کیفرهای تکمیلی قابل اجرا نسبت به اشخاص حقیقی
۱۷۷	مبحث ششم: مواد مشترک با اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی
۱۷۹	فصل ششم: تعرض‌ها به شخصیت
۱۸۱	مبحث نخست: در تعرض به زندگی خصوصی
۱۸۳	مبحث دوم: در تعرض به حسن شهرت شخص
۱۸۴	مبحث سوم: در اسناد افترا
۱۸۵	مبحث چهارم: در افشای سر
۱۸۵	پاراگراف یک: در افشای اسرار شفلی

۱۸۶	پاراگراف دو: در تعرض به اسرار مکاتباتی
۱۸۷	مبحث پنجم: در تعرض‌ها به حقوق اشخاص از طریق برگه دان‌ها یا پرده‌زنی اطلاعات
	مبحث ششم: تعرض‌ها به شخص ناشی از آزمایش با ویژگی‌های ژنتیکی یا شناسایی توسط
۱۹۱	آثار ژنتیکی‌اش
۱۹۳	مبحث هفتم: کیفرهای تکمیلی قابل اعمال به اشخاص حقیقی
۱۹۵	فصل ششم: تعرض‌ها به کودکان و نوجوانان و خانواده
۱۹۷	مبحث نخست: در ترک کودک و نوجوان
۱۹۷	مبحث دوم: در ترک خانواده
۱۹۸	مبحث سوم: تعرض‌ها به اجرای اختیار والدینی
۲۰۰	مبحث چهارم: در تعرض به رابطه‌ی فرزندی (بنوت)
۲۰۱	مبحث پنجم: در معرض خطر قرار دادن کودکان و نوجوانان
۲۰۶	مبحث ششم: کیفرهای تکمیلی قابل اعمال به اشخاص حقیقی
۲۰۹	کتاب سوم: جنایات و جنحه‌ها علیه اموال
۲۱۱	عنوان نخست: تصرفات متقلبانه
۲۱۳	فصل نخست: در سرقت
۲۱۳	مبحث نخست: در سرقت ساده و سرقت‌های متشدد
۲۱۷	مبحث دوم: مواد عمومی
۲۱۷	مبحث سوم: کیفرهای تکمیلی قابل اجرا به اشخاص حقیقی و مسئولیت اشخاص حقوقی
۲۱۹	فصل دوم: در تهدید به اخاذی و ایراد ضررهای نفسی یا شرفی
۲۲۱	مبحث نخست: در اخاذی با تهدید به زور و ایراد زیان‌های مادی
۲۲۳	مبحث دوم: در اخاذی با تهدید به ایراد زیان‌های معنوی
۲۲۴	مبحث دوم مکرر
۲۲۴	مبحث سوم: کیفرهای تکمیلی قابل اعمال به اشخاص حقیقی و مسئولیت اشخاص حقوقی
۲۲۷	فصل سوم: در کلاهبرداری و جرایم همسو
۲۲۹	مبحث نخست: در کلاهبرداری
۲۳۱	مبحث سوم: کیفرهای تکمیلی قابل اعمال به اشخاص حقیقی و مسئولیت اشخاص حقوقی
۲۳۳	فصل چهارم: اختلاس‌ها
۲۳۵	مبحث نخست: در خیانت در امانت
۲۳۶	مبحث دوم: در خیانت نسبت به وثیقه یا شیء توقیف شده
۲۳۶	مبحث سوم: در ساماندهی متقلبانه به منظور فرار از دین
۲۳۷	مبحث چهارم: کیفرهای تکمیلی قابل اعمال به اشخاص حقیقی و مسئولیت اشخاص حقوقی
۲۴۱	عنوان دوم: دیگر تعرض‌ها علیه اموال
۲۴۳	فصل نخست: در اختفای اموال مسروقه و جرایم در حکم یا هم‌خانواده
۲۴۳	مبحث نخست: در اختفای اموال مسروقه

۲۴۴	مبحث دوم: جرایم در حکم اختفای اموال مسروقه یا هم خانوادگی با آن
۲۴۵	مبحث سوم: کیفرهای تکمیلی قابل اجرا نسبت به اشخاص حقیقی و مسئولیت اشخاص حقوقی
۲۴۷	فصل دوم: تخریب‌ها، ویرانی‌ها و ایراد زیان‌ها
۲۴۹	مبحث نخست: تخریب‌ها، ویرانی‌ها و ایراد زیان‌هایی که موجب خطر نسبت به اشخاص نمی‌شود
۲۵۲	مبحث دوم: تخریب‌ها، ویرانی‌ها و ایراد زیان‌های خطرناک یا مضر نسبت به اشخاص
۲۵۵	مبحث سوم: تهدیدات به تخریب، ویرانی یا ایراد خسارت و هشدارهای ناروا
۲۵۵	مبحث چهارم: کیفرهای تکمیلی قابل اعمال به اشخاص حقیقی و مسئولیت اشخاص حقوقی
۲۵۷	فصل سوم: تعرض به سیستم‌های پردازش خودکار داده‌ها
۲۶۱	فصل چهارم: در پولشویی
۲۶۳	مبحث نخست: در پولشویی ساده و پولشویی مشدد
۲۶۴	مبحث دوم: کیفرهای تکمیلی قابل اعمال به اشخاص حقیقی و مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی
۲۶۷	کتاب چهارم: جنایات و جنحه‌ها علیه ملت، دولت و آسایش عمومی
۲۶۹	عنوان نخست: تعرض‌ها به منافع بنیادین ملت
۲۷۳	فصل نخست: در خیانت به کشور و جاسوسی
	مبحث نخست: در تسلیم همه یا بخشی از اراضی ملی، نیروهای مسلح یا لوازم و تجهیزات
۲۷۵	به یک قدرت خارجی
۲۷۵	مبحث دوم: همدستی با یک قدرت خارجی
۲۷۶	مبحث سوم: در تسلیم اطلاعات به یک قدرت بیگانه
۲۷۷	مبحث چهارم: در خرابکاری
۲۷۷	مبحث پنجم: در تهیه اطلاعات ساختگی
۲۷۷	مبحث ششم: در تحریک به ارتکاب جرایم پیش بینی شده در فصل کنونی
۲۷۹	فصل دوم: دیگر تعرض‌ها به نهادهای جمهوری یا تمامیت ارضی ملی
۲۸۱	مبحث نخست: در سوء قصد و دسیسه
۲۸۱	مبحث دوم: در جنبش آشوبگرانه
۲۸۲	مبحث سوم: در غصب فرماندهی، سربازگیری از نیروهای مسلح و تحریک به تسلیم غیرقانونی
۲۸۵	فصل سوم: دیگر تعرض‌ها به دفاع ملی
	مبحث نخست: تعرض‌ها به امنیت نیروهای مسلح و نواحی که به نفع دفاع ملی مورد حفاظت
۲۸۷	قرار گرفته‌اند
۲۸۸	مبحث دوم: تعرض به اسرار دفاع ملی
۲۹۱	فصل چهارم: مواد ویژه
۲۹۷	عنوان سوم: در تروریسم
۲۹۹	فصل نخست: اعمال تروریستی
۳۰۳	فصل دوم: مواد ویژه
۳۰۵	عنوان چهارم: تعرض‌ها به اقتدار دولت
۳۰۷	فصل نخست: تعرض‌ها به آسایش عمومی

۳۰۷	مبحث نخست: ممانعت‌ها در اجرای آزادی‌های بیان، کار، انجمن، گردهمایی یا راهپیمایی
۳۰۸	مبحث دوم: در شرکت بزه‌کارانه در یک تجمع
۳۰۹	مبحث سوم: راهپیمایی‌های غیرمجاز و شرکت غیرقانونی در یک راهپیمایی یا گردهمایی عمومی
۳۱۰	مبحث چهارم: گروه‌های سستیزه‌جو و جنبش‌های منحل
۳۱۳	فصل دوم: تعرض‌ها به اداره‌ی عمومی که توسط اشخاص متصدی یک‌شغل عمومی ارتکاب می‌یابند
۳۱۳	مبحث نخست: سوء استفاده‌ها از مقام مدیریتی علیه اداره
۳۱۳	مبحث دوم: سوء استفاده از اختیار کارمندی علیه خواص
۳۱۳	پاراگراف ۱: تعرض‌ها به آزادی فردی
۳۱۴	پاراگراف ۲: تبعیض‌ها
۳۱۴	پاراگراف ۳: تعرض‌ها به حرمت مسکن
۳۱۵	پاراگراف ۴: تعرض‌ها به اسرار مکاتباتی
۳۱۵	مبحث سوم: کوتاهی در وظیفه‌ی شرافت
۳۱۵	پاراگراف ۱: در ارتشا
۳۱۶	پاراگراف ۲: در فساد مالی منفعل و تأثیرپذیری کارمند توسط اشخاص متصدی شغل عمومی
۳۱۶	پاراگراف ۳: در اخذ غیرقانونی منافع
۳۱۸	پاراگراف ۴: تعرض‌ها به آزادی دسترسی و تساوی نامزدها در بازارهای عمومی
۳۱۹	پاراگراف ۵: در تصرف و جابه‌جایی اموال
۳۱۹	مبحث چهارم: کیفرهای تکمیلی
۳۲۱	فصل سوم: تعرض‌ها به مدیریت عمومی کارمندان بوسیله‌ی افراد خاص
۳۲۳	مبحث نخست: در فساد اداری فعال و خرید و فروش غیرقانونی نفوذ کارمند به وسیله‌ی اشخاص خاص
۳۲۴	مبحث دوم: تهدیدها و رفتارهای تهدیدآمیز کارمند علیه اشخاص مجری یک شغل عمومی
۳۲۵	مبحث سوم: در تصرف و جابه‌جایی اموال تحت امانت عمومی
۳۲۵	مبحث چهارم: در توهین
۳۲۶	مبحث پنجم: در شورش و ناقرمائی
۳۲۷	مبحث ششم: در مخالفت با اجرای کارهای عمومی
۳۲۷	مبحث هفتم: در غصب مشاغل
۳۲۸	مبحث هشتم: در غصب مهر و امضای متعلق به مقام عمومی
۳۲۸	مبحث نهم: در غصب عناوین
۳۲۹	مبحث دهم: کاربرد نامنظم کیفیت
۳۲۹	مبحث یازدهم: در تعرض به احوال شخصی اشخاص
۳۳۰	مبحث دوازدهم: کیفرهای تکمیلی و مسئولیت اشخاص حقوقی
۳۳۲	فصل چهارم: تعرض‌ها علیه اعمال دادگستری
۳۳۲	مبحث نخست: ممانعت‌ها از برقراری عدالت
۳۳۴	مبحث دوم: در ممانعت از اجرای عدالت
۳۳۹	مبحث سوم: تعرض‌ها به اقتدار دادگستری

۳۳۹	پاراگراف ۱: تعرض ها به احترام به دادگستری
۳۴۰	پاراگراف دو: در فرار از زندان
۳۴۳	پاراگراف سه: دیگر تعرض ها به اقتدار عدالت کیفری
۳۴۵	مبحث چهارم: کیفرهای تکمیلی و مسئولیت اشخاص حقوقی
۳۴۷	فصل پنجم: تعرض ها به اداره ی عمومی جامعه ی اروپایی، دولت های عضو اروپایی، دیگر کشورهای خارجی و سازمانهای بین المللی عمومی (قانون ۳۰ ژوئن ۲۰۰۰)
۳۴۷	مبحث نخست: در فساد اداری منفعل
۳۴۷	مبحث دوم: در فساد اداری فعال
۳۴۷	مبحث نخست: در فساد اداری فعال کارمندان جامعه ی اروپایی، کارمندان دولتهای عضو اتحادیه اروپایی و اعضای نهادهای جامعه اروپایی
۳۴۷	مبحث دوم: در فساد مالی فعال اشخاص وابسته به دولت های خارجی غیر از دولتهای عضو اتحادیه ی اروپایی و سازمان های بین المللی عمومی به جز نهادهای جامعه ی اروپایی
۳۴۸	مبحث سوم: کیفرهای تکمیلی و مسئولیت اشخاص حقوقی
۳۴۹	فصل ششم: در شرکت در یک فعالیت مزبورانه (الحاقی به موجب قانون ۱۴ آوریل ۲۰۰۳)
۳۵۱	عنوان چهارم: تعرض ها به اعتماد عمومی
۳۵۳	فصل نخست: جعل ها
۳۵۵	فصل دوم: در جعل پول
۳۵۹	فصل سوم: در جعل عنوان ها یا دیگر اوراق بهادار صادر شده بوسیله ی مقام عمومی
۳۶۳	فصل چهارم: در جعل علائم مقامات
۳۶۵	عنوان پنجم: در شرکت در یک گروه بزهکارانه
۳۶۷	کتاب پنجم: دیگر جنایات و جنحه ها
۳۷۱	عنوان نخست: جرایم مربوط به بهداشت عمومی
۳۷۴	فصل نخست: جرایم مربوط به اخلاق زیست - پزشکی
۳۷۵	مبحث نخست: در حمایت از فضای انسانی
۳۷۵	مبحث دوم: در حمایت از اعضای بدن انسان
۳۷۵	مبحث سوم: در حمایت از رویان انسانی
۳۷۹	مبحث چهارم: دیگر مواد و کیفرهای تکمیلی قابل اعمال به اشخاص حقیقی و مسئولیت اشخاص حقوقی
۳۸۳	عنوان دوم: دیگر موارد
۳۸۵	فصل واحد: بهره کشی شدید یا رفتارهای وحشیانه نسبت به حیوانات
۳۸۷	

به نام خداوند جان و خرد

سرآغاز سخن:

از دویست سال قانونگذاری کیفری در فرانسه تا یک صد سال قانونگذاری کیفری در ایران^۱

قانون مجازات فرانسه ریشه در تاریخ تحولات حقوق کیفری این کشور دارد. به دیگر سخن آن را محصول فکری چند نویسنده یا قانون نویسی یا تدوین کننده، نباید به شمار آورد. زیرا از یک سو ریشه‌های تاریخی آن را می‌توان در حقوق رم باستان، حقوق کیفری کلیسایی، حقوق‌های کیفری پرورش یافته در بسنر قرن‌های پس از قرون وسطی و قرون جدید و سرانجام آرای برآمده از تفکرات فیلسوفان و اندیشمندان عصر روشنگری و از دیگر سو در دیدگاه‌های ناشی از آزادی خواهی و انقلاب‌های اواخر قرن هجدهم و آغاز قرن نوزدهم یافت. البته براین موارد افکار برآمده از آموزه‌های لیبرال - دموکراسی قرن‌های نوزدهم و بیستم را نیز باید افزود.^۲

الف - ریشه‌های تاریخی حقوق کیفری فرانسه

منشاء اولیه حقوق کیفری فرانسه و کشورهای هم خانواده ی حقوقی این کشور را باید در حقوق رم باستان و در آمیختگی این حقوق با حقوق کلیسایی جستجو نمود.

در قرون وسطی مواد حقوق کیفری به صورت پراکنده در میان عرف‌های مختلف یافت می‌شد و ویژگی این حقوق تنوع و گوناگونی بود. در پایان قرون وسطی جنبشی که در پی آشتی با قوانین سرکوب‌گر بود، در بسیاری از کشورهای اروپایی ایجاد شد و منجر به پشتیبانی از احیای حقوق رومی و افزایش چیرگی دولت گردید. در قرن شانزدهم انحصار فزاینده‌ی وضع قانون و نظام عدالت کیفری در دست مقامات حکومتی افتاد.

۱- این نوشتار پس از گذشت یکصد سال از انقلاب مشروطه و در واقع یکصد سال قانون نویسی و قانونگذاری و به مناسبت ترجمه ی قانون نامه ی کیفری فرانسه به بررسی برای نخستین بار در کشور به عنوان دیباچه ی آغازین قانون نامه به قلم می‌رود.

۲- به منظور مطالعه ی تاریخ تحولات کیفری حقوق غرب و بویژه فرانسه رک: زان پردال. تاریخ ادب‌های کیفری، ترجمه ی دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، ج دوم، ۱۳۸۴. موریس نوروال و داوید جیرونینس، تم، بحجه آکسفورد ژنبدان، ترجمه ی محمدرضا گودرزی بروجردی و دیگران، نشر میزان، ج نخست، ۱۳۸۴. ژنه مارتینز. تاریخ حقوق کیفری در اروپا، ترجمه ی محمدرضا گودرزی بروجردی، انتشارات مجد، ج نخست، ۱۳۸۲. آندره ننگی و ژرژت لوبیگر، تاریخ آیین دادرسی جنایی، ترجمه محمد رضا گودرزی بروجردی، انتشارات جنگل، چاپ نخست، ۱۳۸۴.

از این روگاه این قرن به سخت گیرترین قرون سرکوب‌گری و مجازات‌گرایی معروف شده است، چندان که این رویه را در رسوم و عادت‌های سخت گیرانه در قوانین موسوم به کارولین، فردیناند، فرامین پادشاه پرتغال و در قرن بعدی در فرمان کیفری ۱۶۷۰ فرانسه و نظایر آن می‌یابیم. از آنجا که در این جوامع هنوز اعتقاد به آزادی ارزش به شمار نمی‌آمد، در همه جا تقریباً سپاهی جرایم، قوانین بی رحمانه و مجازات‌های بدنی - که به نمونه‌ای عبرت انگیز مبدل گشته‌اند - فراوان بود و با وجود تلاش‌هایی که در پی تمرکز بخشی به حاکمیت عمومی بود، در این دوران دادگستری خصوصی هنوز با نظام سزادهی عمومی رقابت می‌کرد. در قرن هزدهم جنبش روشنگری در پی انسانی کردن حقوق کیفری، تعدیل عدالت کیفری و نیز تدوین قوانین کیفری برآمد. که بی‌شک به سختی ولی پیشاپیش حقوق کیفری جدید اروپای غربی را نوید می‌داد.^۱

۱- از حقوق کیفری رژیم قدیمی تا انقلاب بزرگ فرانسه:

رژیم قدیمی، به دورانی از تاریخ اروپا و بویژه فرانسه گفته می‌شود که از پایان قرون وسطی تا انقلاب بزرگ فرانسه به دراز کشیده است، سرآغاز آنرا قرن شانزدهم گفته‌اند و پایان آنرا اواخر قرن هزدهم نوشته‌اند.

۱-۱- دادگستری در رژیم قدیمی:

دادگستری در این رژیم محصول یک همسازی و همزیستی آگاهانه میان سنتها و فرمان‌های پادشاهان از یک سو و از دیگر سو میان عرف‌های شفاهی و قواعد مکتوب بود. تا آنجا که در این آشفته بازار، امکان آنکه افراد را نزد چندین دادگاه به محاکمه کشاند، وجود داشت. در آن روزگار دادگاهها و دادگستری‌های *Les justices seigneuriales* و دادگاههای پادشاهی به ترتیب سلسله مراتب، خود به «پروونه *Prévôté*» یا دادگاه نخستین «بیژ *bailligge*» و «سنشوسه *sénéchaussée*»، «برزیدبال *Présidial*» که دادگاههای شهری ناحیه‌ای و منطقه‌ای بودند و «پارلمان‌ها یا همان دیوان‌های عالی اپالتی» نظیر پارلمان پاریس، تولوز و ... تقسیم می‌شدند. تعدادی دیوان و دادگاه اختصاصی نیز پدیدار گشته بود. به موازات اینها دادگاههای کلیسایی نیز فعال بودند که بطور رسمی و براساس حقوق مذهبی کلیسا قضاوت می‌کردند و به سه درجه تقسیم می‌شدند: دادگاههای قلمرو اسقفی یا *diocèse* دادگاههای استانی کلیسایی یا *Province ecclesiastique* و دادگاههای نخستین یا *Primatie*.^۲

۱-۲- حقوق و عدالت کیفری در رژیم قدیمی فرانسه:

حقوق کیفری رژیم قدیمی در فرانسه حقوقی عرفی و مبتنی بر عرف‌ها بود ولی در عمل این فرمان‌های پادشاهان بود که قواعد این حقوق را تعیین و تثبیت می‌کرد؛ ویژگی بارز این حقوق از یک سو «خصوصی خودسرانه بودن» آن بود، چه قاضی در این رژیم از اختیارات گسترده‌ای در رسیدگی‌ها و تعیین کیفرها برخوردار بود و از دیگر سو مبتنی بودن آن بر یک «جزم‌گرایی مذهبی» بود تا آنجا که در اس حقوق به

۱ - زک: تاریخ حقوق کیفری در اروپا، صص ۲۸-۳۰.

۲ - تاریخ آیین دادرسی جنایی، ص ۲۶.

جرامی چون: «کفرگویی Blasphème»، «ارتداد Hérétique»، «جادوگری Sorcellerie» و سرانجام «توهین به آنچه که مقدسات خوانده می‌شد» Sacrilège، بسیار برمی‌خوریم. از این لحاظ در این نظام هنوز هم، دادگاه‌های کلیسایی با دادگاه‌های وابسته به دولت، همزیستی داشت. کیفرهای اعمال شده توسط دادگاه‌های این عصر که همراه با بی‌رحمی و سنگدلی تمام بود می‌توانست شامل: «تعذیب Supplice»، سوزاندن در آتش، «کیفر چرخ La Roue» کیفر مرگ به شیوه‌های مختلف و سرانجام کیفر قطع اعضای بدن Mutilations باشد.^۱

این رژیم که در فرانسه تا انقلاب بزرگ ۱۷۸۹ م ادامه داشت. در قرن هژدهم و تحت تاثیر «فلسفه‌ی روشنگری این عصر از یک سو و از دیگر سو توسط پادشاهان اروپایی آن روزگار که به «مسئبدان روش بین» معروف گشته‌اند، اندکی تعدیل یافت و با وقوع انقلاب فرانسه، رو به محاق نهاد و از آن پس فواین انقلابی نوین جایگزین این نظام شدند.^۲

ب - از حقوق انقلابی فرانسه تا دگرگونی‌های کیفری جهانی

اثر انقلاب فرانسه در امور کیفری قابل توجه بود، زیرا از هنگام صدور اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروند^۳ در ۲۶ اوت ۱۷۸۹، باورهای نوینی - که راهنمای حقوق کیفری در اروپا، بویژه در قرن نوزدهم بود - ایجاد گردید. مجلس مؤسسان فرانسه یبایی چندین قانون مهم را که دگرگونی ریشه‌ای در آیین دادرسی کیفری و سازمان قضایی ایجاد نموده بود، مورد تصویب قرار داد.

در سپتامبر ۱۷۹۱ یک مجموعه قوانین کیفری که به جرایم اختصاص داشت، تدوین شد و در آن برای نخستین بار روش‌های نوین مجازات به کار گرفته شد. در واقع حقوق کیفری انقلابی، نوعی آزمایشگاه بود که در آن راه حل‌های پایدار یا ناپایدار - پیش از اصلاحات قطعی تدوین قوانین ناپلئونی در سال ۱۸۱۰ - مورد تجربه قرار گرفت و سرانجام به گرایش‌هایی که از پیش در اروپا شکل گرفته بود، عینیت بخشید.^۴

۱- اصول راهبردی حقوق کیفری

این اصول ناشی از مفهوم سازمان دهی قدرت عمومی از سوی ملت بود که براساس آن افراد آزادانه با آراء شان در شکل‌گیری اراده‌ی ملی با یکدیگر همکاری داشتند. بدین جهت مجلس مؤسسان^۵ به منظور رهایی نظام عدالت کیفری از استبداد و شیوه‌های تشریفاتی، ۶ اصل از اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و شهروند

۱ - همان، ص ۲۷.

۲ - تاریخ آیین دادرسی جنایی، ص ۲۸.

3 - La déclaration des droits de l'homme et du citoyen.

۴ - تاریخ حقوق کیفری در اروپا، ص ۱۶۱.

5 - Les Constituants.

را به آزادی های فردی در چالش با عدالت کیفری،^۳ خنثی داد. روح این اصول ضامن حفظ آزادی های فردی، حامی امتیازات انسانی و پشتیبان حقوق جنمایی^۴ حتمی کرامت بشری^۵ است.

اجرای اعلامیه ی حقوق بشر و شهروند در امور کیفری: مستلزم صدور دستورالعمل های اجرایی متعددی بود. قانون ۲۱ ژانویه ی ۱۷۹۰ در ماده ی نخست خود اصل تساوی کیفرها را مورد تأیید قرار داد، اصول ۳ و ۴ اعلامیه اصل شخصی بودن کیفرها را مقرر می داشت و در ماده ی ۲۱ از بند دوم قانون ۱۶ و ۲۴ اوت ۱۷۹۰ نیز اصل متناسب بودن کیفرها نسبت به جرایم به تصویب رسیده بود.^۶

با تقسیم بندی جرایم به سه دسته، مجلس موسسان تنها کیفر جنایات را تعیین نمود و رژیم جنحه ها و خلاف ها توسط قانون ۱۹ و ۲۲ ژوئیه ی ۱۷۹۱ تحت عنوان «مجموعه قوانین کیفری» نظام مجازات ها و جرم انگاری ها را مورد تدوین قرار داد، ولی تنها در مورد جنایات بود. بدین ترتیب برای نخستین بار در حقوق کیفری بزه های سنگین تدوین گردید که باید این را فصلی نوین در خلق کیفرها به شمار آورد.^۷

۲- قانون نامه ی کیفری ۱۸۱۰ در ابتدای قرن نوزدهم

مجموعه قوانین جزایی ۱۸۱۰ فرانسه در واکنش به مجموعه ی جزایی ۱۷۹۱ به رشنه ی تحریر درآمده بود، که از نظر فنی به طور ویژه ای تدوین شده بود و بیشتر تحت تأثیر افکار سزار بکارا بود.^۸

در این مجموعه کیفر تنها به وسیله ی قانون تعیین و بوسیله ی قاضی اعمال می شد، که می بایست با هدف سزادهی، ارباب و بازدارندگی بزهکاران بالقوه یا پیشگیری از تجری آنان اعمال گردد. اصل قانونمندی بزه ها و کیفرها، مسئولیت معنوی و ویژگی سزادهی کیفرها، اصول سه گانه و شالوده ی این مکتب را تشکیل می دادند.

با این همه نویسندگان مجموعه قوانین کیفری، اندکی نیز دنباله روی فلسفه ی فایده گرایی فیلسوف انگلیسی، ژرمی بنتام^۹ و آثار وی بودند.

۳- از قانون نامه ی ۱۸۱۰ تا قانون ۱۹۹۲:

قانون نامه ی کیفری ۱۸۱۰ که در قرن های نوزدهم و بیستم به ترتیب بر بسیاری از قانون نامه های کیفری کشورهای اروپایی و آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین تأثیر گذار بود^{۱۰} در میانه ی قرن نوزدهم و در

1- droits naturels.

2- dignité d'homme.

۳ - تاریخ حقوق کیفری در اروپا، ص ۱۶۳.

۴ - تاریخ حقوق کیفری در اروپا، ص ۱۶۸.

۵ - حقوقدان معروف ایتالیایی و صاحب رساله ی جرایم و مجازات ها، (۱۷۹۴-۱۷۳۸م).

۶ - فیلسوف و حقوقدان انگلیسی و بنیانگذار مکتب فایده گرایی در حقوق کیفری (۱۸۳۲-۱۷۴۸م).

۷ - با اندکی تأخیر این مجموعه به حر در اروپا در مجموعه قوانین ۱۸۵۹ عثمانی، ۱۸۸۹ مصر، ۱۹۰۷ ژاپن، ۱۹۱۲ چین

و ۱۹۲۶ ایران - منظور قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ است. مورد تقلید و اقتباس قرار گرفت

قرن بیستم نیز دستخوش اصلاحات و تغییراتی بود، البته تغییرات و اصلاحات اساسی کم و بیش دویست سال پس از تصویب آن، یعنی در سال ۱۹۹۲ که پس از تصویب در سال ۱۹۹۴ در فرانسه به اجرا گذارده شد، رخ داد. بی‌گمان قانون‌نامه‌ی ۱۸۱۰ نوسازی و مواد بسیاری از آن بازنویسی شد به گونه‌ای که از ۴۷۷ ماده کمتر از ۲۰٪ آن به صورت اولیه تا ۱۹۹۴ باقی مانده بود. فکر تجدید آن نیز نخستین بار در ۱۹۳۰ آغاز شد که کمیسونی با شرکت پروفیسور هوگنی "L. Huguéney"، استاد حقوق جزای اختصاصی و پروفیسور دوندیودو وابر "H. Donnedieu DE Vabres" در ۱۹۳۰، لایحه‌ی مقدماتی آن را تهیه کردند. این لایحه مقدماتی معروف به متن ماته "Mater" رئیس این کمیسیون و دادستان دیوان کشور بود. این متن مجازات‌ها را از اقدامات تأمینی جدا کرده و اصل مسئولیت جزایی اشخاص حقوقی را می‌پذیرفت. ولی موفقیت سیاسی و سپس جنگ جهانی دوم مانع هر گونه مباحثه در این زمینه گردید.^۱

در ۱۹۷۴ اقدام اصلاحی دوباره به جریان می‌افتاد، نیاز به یک مجموعه جدید قوانین جزایی با شدت بیشتری احساس می‌شد در حالی که در اغلب ممالک همسایه اصلاحات شروع شده و یا در آستانه شروع بود. برای نمونه، آلمان فدرال دارای مجموعه قوانین جدید ۱۹۷۵ می‌شد. در فرانسه در ۱۹۷۴ کمیسویی تشکیل و لایحه مقدماتی اولیه خود را در ۱۹۷۷ تقدیم داشت که لایحه‌ای مشرف به ارسال به دادگاه‌های شهرستان و استان و کانونهای وکلای دادگستری برای اظهار نظر بود.

در ۱۹۷۸ یک لایحه مقدماتی که با عجله، قطعی خوانده شده بود از طرف مرکز اسناد فرانسه منتشر و به موازات آن ابتدای قسمت حقوق جزای اختصاص نیز چاپ و در معرض ارزیابی متخصصان قرار گرفت. در ۱۹۸۱ با تغییرات سیاسی ناشی از انتخابات قانونگذاری مارس، کمیسیون تجدید شد. در ۱۹۸۳ یک لایحه مقدماتی جدید در «قسمت عمومی» قانون مجازات تهیه گردید؛ (در این خلال مجازات اعدام با قانون ۹ اکتبر ۱۹۸۱ لغو شد)؛ حبس تأدیبی در برابر رقابت یک رشته تدابیر دیگر جزایی مانند کار عام المنفعه، جزای نقدی روزانه (که در این ضمن بوسیله قانون ۱۰ ژوئن ۱۹۸۳ ایجاد شده بود) قرار گرفت، رژیم تأمینی و حبس تحت روش طبی- روانشناسی که قبلاً ایجاد شده بودند حذف شدند. کمی بعد توجه به ابتدای قسمت اختصاصی قانون مجازات دوباره شروع شد.^۲

در فوریه ۱۹۸۶ وزیر دادگستری آقای Robert Badinter لایحه اصلاح مجموعه قوانین جزایی را به مجلس سنا تقدیم کرد. این لایحه که محصول کارهای کمیسیون بوده، سه کتاب را در برداشت، که به ترتیب به مقررات عمومی قانون مجازات (کتاب I)، جنحه و جنایت علیه اشخاص (کتاب II) جنحه‌ها و جنایات علیه اموال (کتاب III) اختصاص داشت. با این همه، لایحه فوراً مورد بحث واقع نگردید و می‌بایستی منتظر ۱۹۸۹ شد تا تشریفات پارلمانی شروع شود.

۱ - گاستون استفانی، ژرژ لوسار و برنار بولوک، حقوق جزای عمومی، ترجمه‌ی دکتر حسن دادیان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ج نخست، ۱۳۷۷، ص ۲۵ (مقدمه‌ی مترجم).

۲ - همان، ص ۲۶.

با نامه اول فوریه ۱۹۸۹، نخست وزیر وقت، معرفی لایحه قانون را تغییر داد. و بعد از هماهنگی میان مجلسین و دولت تصمیم گرفته شد که لایحه قانون مجازات به صورت چهار لایحه (سه لایحه در مورد سه کتاب مذکور، افزون بر آن لایحه چهارم درباره جنایات جنحه ها علیه ملت، مملکت و آسایش عمومی) به طور جداگانه قدیم پارلمان شود. در اینجا تنها به کتاب اول مربوط به اصول کلی حاکم بر نظام کیفری یعنی «مقررات عمومی» که موضوع حقوق جزای عمومی است توجه شد. بعد از مباحثاتی که اغلب هیجان انگیز بود، این کتاب اول مورد رأی و توثیق واقع و منجر به قانون ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۲ گردید.^۱

به موازات اتمام قانون مجازات و بویژه قسمت عمومی آن، قانونگذار متنی موسوم به بطریق تهیه می کرد. توضیح اینکه قانون مجازات جدید (ق.م.ج.) با اصول و جرایم جدیدش، به طور اجتناب ناپذیری در قانون دادرسی کیفری و مجموعه های مختلف منعکس شد. این قانون تطبیق، قانون ۱۶ دسامبر ۱۹۹۲ «مربوط به تغییر بعضی از مقررات حقوق جزا و دادرسی جزایی گردید که با شروع به اجرای مجموعه قوانین جدید» ضروری شده بود. این متن عظیم - ۲۷۳ ماده - شروع به اجرای قانون جدید را به اول سپتامبر ۱۹۹۳ موکول کرد. با این همه پس از آن به وسیله قانون ۱۳ ژوئیه ۱۹۹۳، قانونگذار دوباره مداخله کرده و این تاریخ را به اول مارس ۱۹۹۴ عقب برد. و سرانجام قانون مجازات جدید با قسمت آئین نامه ای (تصویب نامه ۲۹ مارس ۱۹۹۳) توأم با یک بخشنامه قطور ۱۴ مه ۱۹۹۳، تکمیل گردید.

ج - یکصد سال قانونگذاری کیفری در ایران:

پیشینه‌ی قانون نویسی و قانونگذاری مدرن در ایران به دوران مرحوم میرزاتقی خان امیرکبیر بازمی گردد. پس از آن نیز با انتصاب کنت دومونت فوت اثریشی در سال ۱۲۵۸ خورشیدی به ریاست نظمیۀ شهر تهران، کتابچه‌ای ۵۸ ماده‌ای در امور کیفری توسط ایشان تهیه گردید و به تصویب ناصرالدین شاه رسید. در این کتابچه برای نخستین بار مجازات های عرفی مورد حکم قرار گرفت و جرایم به سه دسته جنایت، جنحه و خلاف تقسیم شدند.^۲ با این اوصاف و نبود ساختاری منظم برای اجرای قوانین و برقراری عدالت، انقلاب مشروطه نخست و به منظور دسترسی به عدالت و قانون به وقوع پیوست و در سال ۱۲۸۵ خورشیدی یعنی یکصد سال پیش، ایران نیز صاحب قوه ی مقننه بر آمده از رأی ملت گردید.

۱- از قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ تا انقلاب اسلامی

قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ حاصل تلاش گروهی از فقیهان و حقوقدانان آن عصر به منظور انتظام بخشیدن به دادگستری و نظام اعمال مجازات ها بود.^۳ در این قانون برای نخستین بار اصول مدرن حقوق

۱ - حقوق جزای عمومی. همان. ص ۲۶.

۲- در این زمینه ر.ک: محمد رضا گوردزی بروجردی، سیاست جنایی قضایی، معاونت حقوقی و توسعه قضایی، انتشارات سلیل، چ نخست، ۱۳۸۵، صص ۱۹-۱۸.

۳- از آن جمله می توان به آقایان مرحوم سیدحسن مدرس و دکتر محمد مصدق اشاره نمود

کیفری، نظیر: اصل قانونمندی جرایم و مجازات ها، اصل عطف به ما سبق نشدن قوانین کیفری و سایر اصول ناشی از اصل قانونمندی جرم و مجازات به رسمیت شناخته شد. مجازات ها نه چهار طبقه ای جنایات، جنحه های بزرگ، جنحه های کوچک و خلاف ها تقسیم شده بودند و از یارهای از عناصر مفید فقه اسلامی نیز استفاده شده بود. این قانون که در سالهای دهه ی ۳۰ و ۴۰ با اصلاحاتی جزئی مواجه بود. در سال ۱۳۵۲ دستخوش اصلاح کلی گردید. با وقوع انقلاب اسلامی این قانون نخست و در سال های آغازین انقلاب نسخ ضمنی و سرانجام در سال ۱۳۷۷ بطور صریح منسوخ گردد.

۲- تحولات کیفری پس از انقلاب اسلامی:

با پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی، قانونگذار در تدوین قوانین کیفری با استفاده از اصول و قواعد فقهی و در این راستا به تهیه قوانین حدود، قصاص و دیات پرداخت. واکنشی قانونگذار انقلابی اصول مفید مندرج در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ را نیز مورد توجه قرار داد. از این رو قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ و قانون تعزیرات اسلامی مصوب ۱۳۶۲ با استفاده از همان قانون مجازات عمومی پیشین و اصلاحات آن به تصویب رسید و سرانجام پس از گذشت یک دهه از عمر انقلاب، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ که ترکیبی از موازین فقه امامیه و اصول حقوق کیفری مدرن عرفی است مورد تصویب قرار گرفت که هم اکنون با پاره ای از اصلاحات و الحاقات در کشور مورد استفاده ی محاکم قرار می گیرد.

بی گمان ترجمه ی این نوشتار نیز خود از یک سو گامی در جهت بخشیدن غنای علمی و فکری به مطالعات حقوق تطبیقی به منظور بهره گیری های بومی است؛ و در این زمینه مسوولیت انقلابی حقوقدانان نسل ما بسیار سنگین تر از گذشته است، چه؛ از یک سو باید گفت که ایران بزرگ ما در برنو پتانسیل های برآمده از انقلاب بزرگ اسلامی بهمن ۵۷، در حال نوزایش، باز شکوفایی و قدرت یابی جهانی است و مترجم ضمن یادآوری رسالت بزرگمان در دست یابی به اهداف چشم انداز بیست ساله کشور، -که پیمودن آن، تبدیل ایران اسلامی به قدرت نخست سیاسی، نظامی، اقتصادی، صنعتی، فرهنگی، قضایی و... غرب آسیا و خاورمیانه را به ارمان خواهد آورد، و این مهم خود مقدمه ی دستیابی به تمدن بزرگ اسلامی است- ذکر این مهم را نامناسب نمی داند که بگوید، با بهره گیری از اصول مترقی حقوق اسلامی، اصول عقلانی و مطالبات تطبیقی باید «قانون مجازات کشور بزرگ ایران اسلامی» نیز وزین ترین و مترقی ترین قانون مجازات در منطقه و دنیای اسلام باشد، به گونه ای که مدل آن بتواند نیروی محرکه ی سایر قانون گذاران دنیای اسلام بوده، مسوولیت خط دهی و جهت بخشی به سیاست گزاران کیفری کشورهای اسلامی را بر عهده گرفته و آنان را رهبری نماید. به دیگر سخن همانگونه که در دیگر عرصه ها، ما مسوولیت پرچمداری و ایجاد تمدن بزرگ اسلامی را بر عهده گرفته ایم. در حوزه ی قضا- که داشتن قانون مجازاتی پیشرو، الگو و مترقی مظهر آن است - نیز نباید از زیر بار این مسوولیت بزرگ شانه خالی کنیم. بنابراین برای به انجام رساندن این مسوولیت بزرگ، باید در پی تدوین قانون مجازاتی باشیم که نه تنها «عمر آن از عمر تدوین کنندگانش افزون باشد.

بلکه همچنین بتواند شکوه و عظمت تمدن بزرگ اسلامی مان را به جهانیان نشان داده و الگویی مناسب و در خور به دنیای اسلام عرضه دارد.» زیرا می‌دانیم که تاریخ به حق بسیاری از پیروزی‌ها را به نسیان می‌سپارد ولی قوانین خوب هرگز به فراموشی سپرده نمی‌شوند. «بدین علت در این راه بهره‌گیری از دستاوردهای علمی کشورهای که با آنها همخوانی، قرابت و تبادل حقوقی داریم، می‌تواند مفید باشد و از دیگر سو ترجمه‌ی این مهم را که برای نخستین بار در کشور صورت می‌گیرد باید به عنوان گشودن باب‌هایی بر روی حقوقدانان داخلی در جهت بومی‌سازی نهادها و تأسیسات حقوقی مفید آن به شمار آورد. مترجم خود بی‌آنکه در پی نفی یا اثبات این ترجمه باشد بر این باور است که غرب و تمدن آن - از جمله نظام حقوقی آن - را باید شناخت و به نقد و ارزیابی آن پرداخت و آنچه را که از آن در خود اخذ است، اخذ نماییم و آنچه را که از آن در خور طرد است، مطرود سازیم.

بی‌تردید ترجمه‌ی این مجموعه‌ی بزرگ و فنی در این مدت کوتاه و فشرده توسط مترجم و همسر و همکار گرامی‌ام، سرکار خانم مقدادی، قاضی محترم دادگستری، خالی از ایراد نیست از این رو از همه‌ی استادان و همکاران محترم و حقوقدانان و فقیهان اهل فن می‌خواهیم که ما را در بخشیدن غنای بیشتر به آن در چاپ‌های پس از این، یاری فرمایند. اکنون که به لطف و یاری خداوند بزرگ این مجموعه به مرحله‌ی انتشار می‌رسد، لازم است از همه‌ی بزرگانی که در به انجام رساندن این مهم یاری‌گر ما بودند، به ویژه جناب آقای دکتر علیرضا جمشیدی معاون محترم حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه به خاطر حمایت‌های مستمرشان، جناب آقای دکتر گلدوزیان، استاد محترم دانشگاه تهران به خاطر بررسی‌ها و ارایه‌ی رهنمودهای مفیدشان، جناب آقای دکتر اردبیلی، استاد محترم دانشگاه شهید بهشتی به خاطر بررسی‌ها و کمک‌های بی‌دریشان در اصلاح برخی معادل‌سازی‌ها، و نیز استاد فرانسوا فورمان، F. Fourment استاد محترم حقوق کیفری دانشگاه نانسی فرانسه، به خاطر کمک‌های بی‌دریغ ایشان در تسهیل ترجمه‌ی برخی واژگان لاتینی و حقوقی درون متن، و سرانجام سرکار خانم احمدی و آقای رجبی که در حروفچینی آن، تلاش وافر داشتند، سپاسگذاری نمایم.

همانا یاریگر حقیقی خداوند بزرگ و بی‌همتا است.

محمدرضا گودرزی بروجردی